Theories and criticism in Arabic literature
The four Year, Issue 16, 2025
Pp:67-84
Research Paper
DOI: 10.22034/jral.2026.596524.1135

A Critical Analysis of Abdol-Mohammad Ayati's Persian Translation of Sermons 80 to 83 of Nahj al-Balagha Based on Newmark's Theory

Jamal saedi vafa*[1], Maryam sayahi[2], Ameneh torfi zadeh [3], Narges Cheldavi [4]

(Received: 2026/08/10, Accepted: 2026/08/22)

Abstract

Nahj al-Balagha, as one of the most prominent religious, ethical, and literary texts in the Islamic heritage, has always attracted the attention of Persian-speaking scholars and translators. The linguistic and rhetorical complexities of this work have transformed its translation into a process that goes beyond the mere transfer of words, turning it into an interpretive and cultural domain. Among the numerous existing translations, the translation by Abdol-Mohammad Ayati holds a distinguished position, as he has managed to establish a delicate balance between fidelity to the Arabic text and fluency in the Persian language. The present study, entitled "A Critical Analysis of Abdol-Mohammad Ayati's Persian Translation of Sermons 80 to 83 of Nahj al-Balagha Based on Newmark's Theory," was conducted using a descriptive-analytical approach. Newmark's theoretical framework, which divides translation into two types—"semantic" and "communicative"—was adopted as the basis for evaluation. In this study, the selected sermons were examined in detail, and the extent to which Ayati's translation conforms to Newmark's principles was analyzed. The findings indicate that, in translating metaphors, allusions, and literary expressions, Ayati adhered more closely to the principles of semantic translation. In conveying cultural concepts, he also employed strategies such as cultural equivalence and domestication. At the same time, the fluency and eloquence of the Persian text have been preserved in his translation, enabling readers to establish a connection with the main message of the sermons. A comparison of Ayati's translation with other reputable translations demonstrates that he has been successful in conveying the spirit and message of Nahj al-Balagha. The findings of the study indicate that, despite certain limitations, Ayati's translation can be regarded as a valuable example of the translation of religious texts and may serve as a useful model for Persian-speaking translators dealing with classical Islamic texts.

Key words: Nahj al-Balagha; Abdol-Mohammad Ayati's translation; Newmark's theory; semantic and communicative translation.

[1]. PHD in Arabic Language and literature, visiting professor, Farhangian University, Fatemeh alzahra, Ahvaz. Iran. (Corresponding Author). E-mail: Jamal.saedi67@gmail.com
[2].Undergraduate Student of Theology, Farhangian University, Fatemeh Al-Zahra (PBUH) Campus, Ahvaz, Iran.
[3]Undergraduate Student of Theology, Farhangian University, Fatemeh Al-Zahra (PBUH) Campus, Ahvaz. Iran.
[4] M.A. in Theology, Farhangian University, Khuzestan Province, Ahvaz, Iran

©The Author(s). **Publisher**: Kosar University

التنظيرات والنقد فی الادب العربی
السنة الرابعة، العدد ١٦، الشتاء
١٤٠٣هـ، ٢٠٢٥م، صص ٨٤-٦٧

مقاله پژوهشی
DOI: 10.22034/jral.2026.596524.1135

نقد و بررسی ترجمه فارسی عبدالمحمد آیتی از خطبه ۸۰ الی ۸۳ نهج البلاغه بر اساس نظریه نیومارک

جمال ساعدی وفا [۱]*، مریم سیاحی [۲]، آمنه طرفی زاده [۳]، نرگس چلداوی [۴]

تاریخ دریافت: ۱۹/ ۰۵/ ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۳۱/ ۰۵/ ۱۴۰۵

چکیده

نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین متون دینی، اخلاقی و ادبی در میراث اسلامی، همواره مورد توجه پژوهشگران و مترجمان فارسی‌زبان قرار گرفته است. پیچیدگی‌های زبانی و بلاغی این اثر، ترجمه آن را به فرآیندی فراتر از انتقال واژگان تبدیل کرده و آن را به عرصه‌ای تفسیری و فرهنگی بدل ساخته است. در میان ترجمه‌های متعدد موجود، ترجمه عبدالمحمد آیتی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا وی توانسته است میان وفاداری به متن عربی و روانی زبان فارسی تعادلی ظریف برقرار کند. پژوهش حاضر با عنوان «نقد و بررسی ترجمه فارسی عبدالمحمد آیتی از خطبه‌های ۸۰ تا ۸۳ نهج‌البلاغه بر اساس نظریه نیومارک» با رویکرد توصیفی–تحلیلی انجام شده است. چارچوب نظری نیومارک که ترجمه را به دو نوع «معنایی» و «ارتباطی» تقسیم می‌کند، مبنای ارزیابی قرار گرفت. در این مطالعه، خطبه‌های منتخب به‌طور دقیق بررسی و میزان انطباق ترجمه آیتی با اصول نیومارک تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که آیتی در ترجمه استعارات، کنایات و ترکیبات ادبی بیشتر به قواعد ترجمه معنایی پایبند بوده و در انتقال مفاهیم فرهنگی از راهکارهایی چون معادل فرهنگی و بومی‌سازی بهره برده است. در عین حال، روانی و فصاحت متن فارسی در ترجمه او حفظ شده و مخاطب توانسته است با پیام اصلی خطبه‌ها ارتباط برقرار کند. مقایسه ترجمه آیتی با دیگر ترجمه‌های معتبر نشان می‌دهد که وی در بازتاب روح و پیام نهج‌البلاغه موفق عمل کرده است و با وجود برخی محدودیت‌ها، نمونه‌ای ارزشمند در ترجمه متون دینی محسوب می‌شود و می‌تواند الگویی راهگشا برای مترجمان فارسی‌زبان در مواجهه با متون کلاسیک اسلامی باشد.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نظریه نیومارک، ترجمه معنایی و ارتباطی.

---

۱ . دکتری تخصصی زبان و ادبیات عربی، استاد مدعو دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) خوزستان، اهواز
(نویسنده مسئول) ایمیل: Jamal.saedi67@gmail.com
۲ . دانشجوی کارشناسی رشته الهیات دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) خوزستان، اهواز
۳ . دانشجوی کارشناسی رشته الهیات دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) خوزستان ، اهواز
۴. کارشناسی ارشد رشته الهیات دانشگاه فرهنگیان استان خوزستان، اهواز.

حقوق مؤلف: نویسنده **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار میراث اسلامی، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی(ع) است که دربردارنده‌ی والاترین مفاهیم الهی، اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. این اثر از چنان غنای زبانی و عمق معنایی برخوردار است که ترجمه آن به زبان فارسی، نه‌تنها کاری زبانی، بلکه تلاشی فکری و تفسیری به شمار می‌آید. پیچیدگی‌های نحوی، ایجاز بیانی، و ترکیب‌های ادبی در این اثر موجب شده است که هر مترجم، با تکیه بر دیدگاه زبانی و فرهنگی خود، رویکردی متفاوت در برگردان آن اتخاذ کند.

در میان ترجمه‌های گوناگون از نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا وی کوشیده است تا میان امانت‌داری نسبت به متن عربی و روانی و فصاحت زبان فارسی تعادلی ظریف برقرار سازد. با این حال، بررسی دقیق این ترجمه از منظر نظریه‌های ترجمه، می‌تواند ابعاد تازه‌ای از روش و نگرش مترجم را آشکار سازد.

در این میان، نظریه‌پیتر نیومارک با تقسیم‌بندی ترجمه به دو نوع «معنایی» و «ارتباطی»، چارچوبی کارآمد برای تحلیل ترجمه‌های متون ادبی و دینی ارائه می‌کند. این نظریه بر آن است که مترجم باید با در نظر گرفتن جایگاه متن، هدف ارتباطی و نیاز مخاطب، میان وفاداری به معنای اصلی و انتقال اثرگذاری متن مبدأ تعادلی منطقی برقرار کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با عنوان «نقد و بررسی ترجمه فارسی عبدالحمید آیتی از خطبه‌های ۸۰ تا ۸۳ نهج‌البلاغه بر اساس نظریه‌ی نیومارک» در پی آن است تا با تکیه بر معیارهای این نظریه، به تحلیل زبانی و معنایی ترجمه آیتی بپردازد و میزان موفقیت او را در بازتاب روح و پیام خطبه‌های نهج‌البلاغه ارزیابی کند. این بررسی می‌تواند گامی در جهت شناخت دقیق‌تر شیوه‌های ترجمه متون مقدس و تقویت مبانی نظری ترجمه‌متون دینی در زبان فارسی باشد.

۱. ۱. سؤالات پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

۱. ترجمه عبدالحمید آیتی از خطبه‌های ۸۰ تا ۸۳ نهج‌البلاغه تا چه میزان با اصول ترجمه معنایی و ارتباطی نیومارک انطباق دارد؟

۲. راهکارهای ترجمه‌ای به‌کار ر فته در ترجمه آیتی از خطبه های منتخب، بر اساس الگوی یازده‌گانه نیومارک، چگونه به انتقال یا تعدیل معانی دینی، اخلاقی و بلاغی متن مبدا انجامیده است؟

۲- ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی با تکیه بر نظریه‌ی نیومارک به تحلیل ترجمه‌های نهج‌البلاغه پرداخته‌اند که در اینجا به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

رستمی و قائمی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «روش شناسی ترجمه کنایات در خطبه‌های نهج‌البلاغه براساس دیدگاه نیومارک» به بررسی کنایه‌ها در چهار ترجمه پرداخته‌اند. آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد، توجه همزمان به هر دو رویکردِ ترجمه‌ی معنایی و ارتباطی نیومارک (و نه صرفاً یک جنبه‌ی بلاغی خاص) در کنار تحلیل راهکارهای یازدهگانه‌ی اوست.

عباسی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «حفظ زیباشناسی مبتنی بر تفسیرپذیری استعاره در فرآیند ترجمه» به بررسی استعارههای خطبه‌ی سوم نهج‌البلاغه در سه ترجمه‌ی دشتی، شهیدی و گرمارودی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر از حیث تمرکز بر نظریه‌ی نیومارک با این پژوهش همسو است، با این تفاوت که به جای بررسی صرف استعاره، دامنه‌ی تحلیل را به کنایات و ساختارهای زبانی نیز گسترش می‌دهد.

رحیمی خویگانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ترجمه‌ی کهن خطبه‌ی شقشقیه از منظر الگوی نقد ترجمه‌ی نیومارک» به نقد ترجمه‌ای کهن پرداخته است. وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که به‌جای ترجمه‌ای کهن، ترجمه‌ی معاصر و پرکاربرد عبدالمحمد آیتی را که هنوز بررسی جامعی در مورد خطبه‌های متعدد آن انجام نشده، مورد تحلیل قرار می‌دهد.

ملاابراهیمی و رضائی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «روش شناسی ترجمه مقولات فرهنگی در خطبه قاصعه» به مقایسه ترجمه‌های آیتی و شهیدی پرداخته‌اند. تمایز پژوهش حاضر در این است که به‌جای تمرکز بر یک خطبه، چهار خطبه متوالی (۸۰ تا ۸۳) را بررسی می‌کند تا تصویر جامع‌تری از رویکرد ترجمه آیتی ارائه دهد.

با توجه به مرور پژوهش‌های پیشین، آنچه پژوهش حاضر را از کارهای مشابه متمایز می‌سازد، چهار ویژگی زیر است:

۱. تعدد خطبه‌ها: برخلاف پژوهش‌هایی که به یک خطبه محدود شده‌اند (مانند ملاابراهیمی و رضائی، ۱۴۰۲؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۸)، این پژوهش چهار خطبه‌ی متوالی را پوشش می‌دهد.

۲. جامعیت نظری: برخلاف پژوهش‌هایی که تنها به یک جنبه‌ی بلاغی (استعاره یا کنایه) پرداخته‌اند (رستمی و قائمی، ۱۳۹۷)، این پژوهش هر دو رویکرد معنایی و ارتباطی نیومارک را به‌طور همزمان مد نظر قرار می‌دهد.

۳. ترکیب تحلیل زبانی و فرهنگی: این پژوهش افزون بر ساختارهای زبانی، به عناصر فرهنگی و راهکارهای ترجمه‌ی آنها نیز بر اساس الگوی یازدهگانه‌ی نیومارک توجه دارد.

۴. معاصر بودن مترجم: برخلاف پژوهش‌هایی که به ترجمه‌های کهن پرداخته‌اند (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۸)، این پژوهش به ترجمه‌ای معاصر و پرکاربرد (آیتی) می‌پردازد که هنوز از این منظر (بررسی همزمان چند خطبه با هر دو رویکرد نیومارک) تحلیل جامعی نشده است.

۲. مباحث نظری

نظریه ترجمه پیتر نیومارک از جمله رویکردهای مهم در مطالعات ترجمه است که به چگونگی انتقال معنا از متن مبدأ به متن مقصد و میزان توجه مترجم به ویژگی‌های زبانی، معنایی، سبکی و ارتباطی متن می‌پردازد. نیومارک در آثار خود، به ویژه Approaches to Translation و A Textbook of Translation، میان دو رویکرد ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی تمایز قائل میشود. در ترجمه معنایی، توجه اصلی مترجم معطوف به نویسنده، متن مبدأ و معنای بافتی آن است، در حالی که در ترجمه ارتباطی، مخاطب زبان مقصد و انتقال روشن و مؤثر پیام اهمیت بیشتری می‌یابد (Newmark, 198: ۱۹۸۸). حسینی نیز در بررسی دیدگاه نیومارک، ترجمه معنایی را رویکردی مبتنی بر وفاداری به نویسنده، فرهنگ و زبان مبدأ و ترجمه ارتباطی را رویکردی مخاطب‌محور معرفی می‌کند. (حسینی، ۱۳۹۹)

این دو رویکرد، اگرچه در میزان توجه به متن مبدأ و مخاطب مقصد تفاوت دارند، الزاماً دو شیوه کاملاً منفک و مطلق نیستند. مترجم ممکن است با توجه به ویژگی‌های متن، نوع پیام، عناصر فرهنگی و نیازهای مخاطب، در بخش‌های مختلف یک متن به یکی از این دو رویکرد گرایش بیشتری پیدا کند. ازاینرو، در ارزیابی یک ترجمه، بهتر است به جای قرار دادن کل اثر در یکی از دو دسته، هر نمونه ترجمه بر اساس میزان پایبندی آن به متن مبدأ و میزان توجه آن به مخاطب مقصد بررسی شود. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ترجمه نهج‌البلاغه نیز نشان می‌دهد که چارچوب نیومارک می‌تواند برای بررسی نحوه انتقال عناصر زبانی و فرهنگی این اثر به زبان فارسی مورد استفاده قرار گیرد. (نیازی و زرمحمدی، ۱۴۰۲؛ زرمحمدی و زرمحمدی، ۱۴۰۴).

۲-۱. ترجمه معنایی

ترجمه معنایی در نظریه نیومارک رویکردی است که بر انتقال معنای بافتی متن مبدأ و حفظ ویژگی‌های آن تا حد امکان تأکید دارد. در این شیوه، مترجم بیش از هر چیز به متن مبدأ و نویسنده آن توجه می‌کند و می‌کوشد معنای مورد نظر نویسنده را با کمترین میزان دخل و تصرف به زبان مقصد منتقل کند (Newmark, 1981, 1988). بنابراین، در ترجمه معنایی، وفاداری به متن مبدأ صرفاً به معنای حفظ معادل واژگان نیست، بلکه معنای بافتی، شیوه بیان، سبک و ویژگی‌های زبانی و ادبی متن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های اساسی ترجمه معنایی، توجه به ساختار و ویژگی‌های خاص متن مبدأ است. مترجم تلاش می‌کند تا حد امکان عناصر واژگانی، نحوی و سبکی متن اصلی را حفظ کند و تنها در مواردی که قواعد و امکانات زبان مقصد چنین کاری را ناممکن یا نامناسب می‌سازد، تغییرات لازم را اعمال کند. در نتیجه، آزادی مترجم در این رویکرد نسبت به ترجمه ارتباطی محدودتر است و هرگونه تغییر در ساختار یا صورت متن باید با ضرورت‌های زبانی و معنایی توجیه شود (Newmark, 1988).

بااین‌حال، ترجمه معنایی را نباید با ترجمه تحت‌اللفظی یا واژه‌به‌واژه یکسان دانست. در ترجمه معنایی، هدف انتقال معنای بافتی متن اصلی است و مترجم باید قواعد و ظرفیت‌های زبان مقصد را نیز در نظر بگیرد. بنابراین، ممکن است برای انتقال دقیق‌تر معنای متن مبدأ، تغییرات محدودی در ساختار نحوی یا واژگانی ایجاد شود، اما این تغییرات نباید به تغییر غیرضروری در معنای متن یا ویژگی‌های سبکی آن منجر شود (Newmark, 1988).

توجه به بافت در ترجمه معنایی اهمیت ویژه‌ای دارد. یک واژه یا عبارت ممکن است در بافت‌های مختلف معانی متفاوتی داشته باشد و انتخاب معادل مناسب آن بدون توجه به بافت می‌تواند موجب انتقال نادرست معنا شود. از این‌رو، مترجم باید معنای مورد نظر نویسنده را در ارتباط با کل متن و موقعیت کاربرد آن درک کند و سپس مناسب‌ترین صورت را در زبان مقصد برگزیند. به همین دلیل، ترجمه معنایی را می‌توان رویکردی دانست که در آن حفظ معنای بافتی و ویژگی‌های متن مبدأ بر روان‌سازی حداکثری متن مقصد اولویت دارد.

در متون ادبی و دینی، این رویکرد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا در چنین متونی، عناصر بلاغی و سبکی، استعاره‌ها، کنایه‌ها، تصاویر ادبی و حتی برخی ویژگی‌های واژگانی می‌توانند در شکل‌گیری معنا نقش داشته باشند. نهج‌البلاغه نیز به دلیل برخورداری از ویژگی‌های برجسته ادبی و بلاغی و نیز بازتاب عناصر فرهنگی و اجتماعی زبان عربی، از جمله متونی است که حفظ ویژگی‌های متن مبدأ در ترجمه آن اهمیت فراوان دارد. پژوهش‌های انجام‌شده درباره ترجمه نهج‌البلاغه بر اساس الگوی نیومارک نیز نشان داده‌اند که انتقال عناصر فرهنگی این اثر به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و نبود برابرنهاد دقیق در زبان مقصد، نیازمند توجه همزمان به معنای متن و ویژگی‌های فرهنگی آن است (نیازی و زرمحمدی، ۱۴۰۲؛ زرمحمدی و زرمحمدی، ۱۴۰۴). بر این اساس، در پژوهش حاضر، پایبندی به معنای بافتی متن مبدأ، حفظ ویژگی‌های زبانی و سبکی، توجه به ساختارهای بلاغی و پرهیز از تغییر یا تفسیر غیرضروری از جمله شاخص‌هایی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند نشاندهنده گرایش ترجمه آیتی به رویکرد معنایی باشد.

۲- ۲. ترجمه ارتباطی

ترجمه ارتباطی در نظریه نیومارک بر انتقال پیام متن مبدأ به گونه‌ای تأکید دارد که برای مخاطب زبان مقصد روشن، طبیعی و قابل دریافت باشد. در این رویکرد، مترجم علاوه بر توجه به معنای متن اصلی، نحوه دریافت متن ترجمه شده توسط مخاطب را نیز در نظر می‌گیرد. از دیدگاه نیومارک، هدف ترجمه ارتباطی آن است که در خواننده متن مقصد، تأثیری تا حد امکان نزدیک به تأثیر متن اصلی بر خواننده خود ایجاد شود (Newmark, 1981, 1988).

در این نوع ترجمه، مخاطب مقصد جایگاه مهمی در تصمیم‌های مترجم دارد. اگر انتقال مستقیم یک واژه، عبارت یا ساختار از زبان مبدأ موجب ابهام، پیچیدگی یا ناآشنایی برای مخاطب مقصد شود،

مترجم میتواند از معادل‌ها و ساختارهای طبیعیتر زبان مقصد استفاده کند. بنابراین، روانی، وضوح و طبیعی بودن متن مقصد در ترجمه ارتباطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حسینی نیز با بررسی دیدگاه نیومارک، تفاوت اصلی این رویکرد با ترجمه معنایی را در توجه بیشتر به خواننده متن ترجمه‌شده و تلاش برای ارائه معنا در ساختاری متناسب با زبان مقصد می‌داند (حسینی، ۱۳۹۹).

ترجمه ارتباطی به معنای بی‌توجهی به متن مبدأ یا آزادی کامل مترجم در تغییر محتوای آن نیست. پیام اصلی و محتوای اساسی متن باید حفظ شود، اما در مواردی که حفظ صورت زبانی متن مبدأ مانع برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب شود، مترجم می‌تواند ساختار جمله، تعبیر یا شیوه انتقال مفهوم را تعدیل کند. در این حالت، اولویت با انتقال مؤثر پیام و ایجاد متنی طبیعی و قابل فهم برای مخاطب مقصد است (Newmark, 1988).

عناصر فرهنگی نیز در ترجمه ارتباطی اهمیت ویژه‌ای دارند. تفاوت میان فرهنگ مبدأ و مقصد ممکن است موجب شود برخی مفاهیم، تعبیرها یا تصاویر فرهنگی برای مخاطب مقصد ناآشنا یا مبهم باشند. در چنین شرایطی، مترجم می‌تواند با توجه به هدف ترجمه و ویژگی‌های مخاطب، از معادل مناسب‌تر، توضیح یا تغییر محدود در شیوه بیان استفاده کند تا پیام متن برای خواننده مقصد قابل دریافت‌تر شود. پژوهش‌های انجام شده درباره ترجمه عناصر فرهنگی در نهج‌البلاغه نیز بر دشواری انتقال این عناصر به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و نبود برابرنهاد دقیق در زبان مقصد تأکید کرده‌اند (نیازی و زرمحمدی، ۱۴۰۲؛ زرمحمدی و زرمحمدی، ۱۴۰۴).

در ترجمه متون دینی، توجه به این مسئله اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا مترجم باید میان وفاداری به متن اصلی و قابلیت دریافت پیام توسط مخاطب مقصد تعادل برقرار کند. بنابراین، در پژوهش حاضر، روانی و طبیعی بودن زبان مقصد، وضوح پیام، رفع ابهام، استفاده از ساختارها و معادله‌ای آشناتر برای مخاطب و توجه به اثر ارتباطی ترجمه از جمله شاخص‌هایی در نظر گرفته می‌شود که میتواند نشان‌دهنده گرایش ترجمه آیتی به رویکرد ارتباطی باشد.

۲-۳. رابطه ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی

ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی را نمی‌توان دو روش کاملاً متضاد و غیرقابل جمع دانست. تفاوت اساسی این دو رویکرد در اولویت‌هایی است که مترجم در فرایند ترجمه دنبال میکند. در ترجمه معنایی، متن مبدأ، نویسنده و معنای بافتی آن در مرکز توجه قرار دارند، در حالی که در ترجمه ارتباطی، مخاطب مقصد، وضوح پیام و تأثیرگذاری متن ترجمه‌شده اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Newmark, 1981, ۱۹۸۸؛ حسینی، ۱۳۹۹)

بر این اساس، ممکن است یک مترجم در بخش‌های مختلف یک متن، متناسب با ماهیت هر عبارت و ضرورت‌های ترجمه، به یکی از این دو رویکرد گرایش بیشتری پیدا کند. برای نمونه، مترجم ممکن است در ترجمه یک استعاره یا کنایه، تصویر و ساختار متن مبدأ را تا حد امکان حفظ کند و از این جهت

به ترجمه معنایی نزدیک شود؛ اما در ترجمه عبارتی دیگر، برای انتقال روشن‌تر پیام به مخاطب مقصد، ساختار جمله را تغییر دهد و به رویکرد ارتباطی گرایش پیدا کند.

بنابراین، تشخیص رویکرد ترجمه صرفاً بر اساس یک تغییر واژگانی یا نحوی امکان‌پذیر نیست. لازم است هدف و کارکرد آن تغییر نیز بررسی شود. اگر تغییر انجام شده در جهت حفظ معنای بافتی، ویژگی‌های سبکی و شیوه بیان متن مبدأ باشد، می‌تواند نشانه‌ای از گرایش به ترجمه معنایی تلقی شود؛ اما اگر تغییر با هدف افزایش وضوح، روانی و تأثیرگذاری پیام بر مخاطب مقصد صورت گرفته باشد، میتوان آن را نشانه‌ای از گرایش به ترجمه ارتباطی دانست.

ازاینرو، در پژوهش حاضر، ترجمه آیتی از خطبههای ۸۰ تا ۸۳ نهجالبلاغه بهصورت مطلق در یکی از دو دسته ترجمه معنایی یا ارتباطی قرار نمیگیرد؛ بلکه هر نمونه بر اساس میزان پایبندی آن به متن مبدأ و میزان توجه آن به مخاطب مقصد بررسی میشود. این شیوه امکان میدهد تفاوتهای موجود در ترجمه آیتی در سطح واژگان، ساختار، معنا، سبک و عناصر فرهنگی با دقت بیشتری ارزیابی شود.

۲-۴. چارچوب تحلیل پژوهش حاضر

با توجه به مباحث مطرح شده، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر دو رویکرد ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی استوار است. در رویکرد معنایی، میزان پایبندی مترجم به معنای بافتی، ویژگی‌های زبانی و سبکی، ساختارهای بلاغی و عناصر فرهنگی متن مبدأ مورد توجه قرار می‌گیرد. در مقابل، در رویکرد ارتباطی، میزان توجه مترجم به مخاطب مقصد، وضوح و روانی پیام، طبیعی بودن ساختار زبان مقصد و چگونگی انتقال مفاهیم فرهنگی بررسی می‌شود.

بر این اساس، در تحلیل نمونه‌های ترجمه آیتی، نخست متن عربی خطبه و ترجمه فارسی آن با یکدیگر مقایسه می‌شوند؛ سپس تغییرات ایجاد شده در ترجمه از نظر معنایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و فرهنگی بررسی می‌گردد. در مرحله بعد، با توجه به نوع و کارکرد این تغییرات، میزان گرایش هر نمونه به ترجمه معنایی یا ارتباطی تعیین می‌شود. بدین ترتیب، چارچوب نظری پژوهش نه صرفاً برای معرفی دو رویکرد ترجمه، بلکه به‌عنوان معیاری برای تحلیل و ارزیابی ترجمه آیتی از خطبه‌های مورد مطالعه به کار گرفته می‌شود.

۳. بحث و تحلیل

۱_۳. خطبه ۸۰

و من خطبةٔ له (علیه السلام) بعد فراغه من حرب الجمل فی ذمّ النساء ببیان نقصهنّ:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ. فَأَمَّا نُقْصَانُ إِيمَانِهِنَّ فَقُعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَأَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ

الْوَاحِدِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ. فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ، وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعْنَ فِي الْمُنْكَرِ.»

ترجمه آیتی: (سخنی از آن حضرت علی(ع) پس از فراغت از جنگ جمل، در نکوهش زنان، فرمود: ای مردم، بدانید که زنان را ایمان ناقص است و بهره‌مندی‌هایشان ناقص است و عقل‌هایشان ناقص است. اما ناقص بودن ایمانشان از آن روست که در ایام حیض از خواندن نماز و گرفتن روزه معذورند و ناقص بودن عقل‌هایشان، بدان دلیل است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و نقصان بهره‌مندیشان در این است که میراث زنان نصف میراث مردان است. از زنان بد بپرهیزید و از زنان خوب حذر کنید و کار نیک را به خاطر اطاعت از آنان انجام مدهید، تا به کارهای زشت طمع نکنند.) (نهج البلاغه، خطبه‌ها، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

نیومارک دو رویکرد اصلی در ترجمه مطرح می‌کند:

ترجمه معنایی (Semantic Translation): تمرکز بر بازتاب دقیق معنا و بار فرهنگی متن مبدأ، حتی اگر متن مقصد کمی سنگین یا غیرطبیعی شود.

ترجمه ارتباطی (Communicative Translation): تمرکز بر انتقال پیام به شکلی روان و قابل‌فهم برای مخاطب مقصد، حتی با تعدیل یا تغییر ساختارها.

از همین منظر، به بررسی ترجمه آیتی می‌پردازیم.

– وفاداری به متن: ترجمه آیتی بسیار نزدیک به متن عربی است و بیشتر در چارچوب ترجمه معنایی قرار می‌گیرد. مثلاً عبارت «نواقص الإيمان» را به «ایمان ناقص است» برگردانده که بازتاب لفظی دارد.

– ساختار زبان مقصد: گاهی ترجمه کمی سنگین و غیرطبیعی به نظر می‌رسد، مثل «بهره‌مندی‌ها ناقص است» یا «کار نیک را به خاطر اطاعت از آنان انجام مدهید». این‌ها نشان می‌دهد مترجم بیشتر به متن مبدأ وفادار بوده تا به روانی زبان مقصد.

– انتقال بار فرهنگی: آیتی تلاش کرده مفاهیم فقهی و اجتماعی مثل «شهادت دو زن برابر یک مرد» یا «میراث نصف» را بدون توضیح اضافی منتقل کند. این مطابق ترجمه معنایی است، چون توضیح یا بسطی برای مخاطب مدرن نداده است.

– اثر ارتباطی: برای مخاطب امروز، متن ممکن است کمی خشک و سنگین باشد و نیاز به بازآفرینی ارتباطی دارد تا پیام روشن‌تر و روان‌تر منتقل شود.

ترجمه پیشنهادی:

در این ترجمه، وفاداری به معنا حفظ می‌شود، اما ساختارها روان‌تر و طبیعی‌تر در فارسی بیان می‌گردند: سخنی از آن حضرت (ع) پس از پایان جنگ جمل در نکوهش زنان:

(ای مردم، زنان در ایمان، در بهره‌ها، و در خرد، کاستی دارند. کاستی ایمانشان از آن روست که در روزهای حیض از نماز و روزه بازداشته می‌شوند؛ کاستی خردشان بدان سبب است که گواهی دو زن

برابر با گواهی یک مرد شمرده می‌شود؛ و کاستی بهره‌هایشان آن است که سهم ارث آنان نصف سهم مردان است. پس از زنان بد بپرهیزید و حتی در برابر زنان نیک نیز هوشیار باشید؛ و در کارهای نیک تنها به فرمان آنان گردن مگذارید، تا به کارهای ناشایست دل نبندند.)

تفاوت‌های کلیدی با ترجمه آیتی:

روانی بیشتر: به جای «بهره‌مندی‌ها ناقص است»= «در بهره‌ها کاستی دارند».

هماهنگی سبکی: «کار نیک را به خاطر اطاعت از آنان انجام مدهید»= «در کارهای نیک تنها به فرمان آنان گردن مگذارید».

حفظ بار معنایی: همچنان وفادار به متن عربی است، اما با ساختار طبیعی‌تر فارسی.

ترکیب دو رویکرد نیومارک: معنا دقیق منتقل شده(semantic)، همچنین زبان مقصد روان‌تر و قابل‌فهم‌تر شده (communicative).

۲- ۳. خطبه ۸۱

و من کلام له (ع) فی الزهد:

«أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهادَةُ قِصَرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ، وَالْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ، فَإِنْ عَزَبَ ذلِكَ عَنْكُمْ فَلا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ، وَلا تَنْسَوْا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَعْذَرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ، وَكُتُبٍ بَارِزَةِ الْعُذْرِ وَاضِحَةٍ.»

ترجمه آیتی: (سخنی از آن حضرت (ع) در زهد: ای مردم، زهد در این جهان کاستن از دامنه آروزهاست و سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها و پارسایی از حرام‌هاست. پس اگر بدان دست نیافتید، بکوشید تا حرام بر شکیبایی شما چیره نشود و در برابر نعمت، سپاسگزاری را از یاد مبرید. خداوند با آوردن حجت‌های آشکار و هویدا و کتاب‌های آسمانی و دلیل‌های روشن جای عذری برای شما باقی نگذاشته است.) (نهج البلاغه خطبه‌ها، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

برای نقد و تحلیل ترجمه خطبه ۸۱ بر اساس دیدگاه نیومارک ابتدا به بررسی این پرسش می‌پردازیم که آیا ترجمه آیتی از دیدگاه نیومارک در زمره ترجمه ارتباطی قرار دارد یا معنایی؟

در پاسخ به این پرسش لازم است ترجمه یاد شده را از منظرهای ذیل مورد بررسی قرار دهیم:

بر اساس معیارهای نیومارک، ترجمه‌آیتی به‌روشنی در دسته ترجمه‌ارتباطی (comunicative translation) قرار می‌گیرد، زیراساختار عربی جملات را بازسازی نمی‌کند و آن‌ها را به ساختار معیار فارسی تبدیل می‌کند؛همچنین معادل‌هایی برمی‌گزیند که از نظر فرهنگی برای فارسی‌زبان امروزی آشناست؛ و هدف اصلی آن انتقال پیام اخلاقی و قابل‌فهم کردن متن است، نه بازسازی بلاغت عربی.

مثال: عبارت عربی «الزهادةُ قِصَرُ الأمل»، در ترجمه لفظمدار (=معنایی) می‌توانست چنین باشد: «زهد، کوتاهی آرزوست.» اما آیتی آن را بسط داده و گفته است: «زهد... کاستن از دامنه آرزوهاست.» این افزوده تفسیری «دامنه» نشانه رویکرد ارتباطی است.

نیومارک دقت معنایی و بسندگی(Accuracy)، را از اصول ترجمه می‌داند. ترجمه آیتی از نظر انتقال معنای کلی دقیق است، اما در سطح واژگانی، گاه معنای ضمنی واژه عربی را به معادل‌های تفسیری تبدیل می‌کند.

مثال : «التورّع عند المحارم»، معنای دقیق: «پرهیز کردن از حرام‌ها با ورع (احتیاط اخلاقی)»

ترجمه آیتی: «پارسایی از حرام‌ها». واژه «پارسایی» بار معنایی مثبت و عرفانی دارد، در حالی که «ورع» بیشتر به احتیاط اخلاقی اشاره دارد.بنابراین این معادل، دقیق نیست اما ارتباطی و مؤثر است.

مثال: «کُتُبٍ بارِزَةِ العُذر»، معنای دقیق: «کتاب‌هایی که حجت را آشکار کرده‌اند.»

ترجمه آیتی: «کتاب‌های آسمانی»

این ترجمه مفهوم را برای خواننده امروزی روشن می‌کند، اما تفسیر شخصی است، زیرا متن عربی «آسمانی» را بیان نکرده است.

لحن خطابی و انتقال اثر عاطفی متن(Tone):

همچنین نیومارک تأکید دارد که ترجمه ارتباطی باید اثر متن را بر مخاطب بازآفرینی کند، حتی اگر ساختار تغییر کند.متن عربی دارای لحنی هشداردهنده؛ خطابی و امری و شدید و قاطع است. آیتی این لحن را ملایم‌تر و اخلاقی‌تر می‌کند.

مثال:«فَلَا یَغْلِبِ الحرامُ صبرَکُم»، آیتی: «بکوشید تا حرام بر شکیبایی شما چیره نشود.»؛ افزودن «بکوشید» یک نرمی اخلاقی است که در متن عربی نیست.

از نگاه نیومارک: این کار در ترجمه ارتباطی پذیرفتنی است، اما فاصله‌ای با لحن اصلی ایجاد می‌کند.

بومی‌سازی فرهنگی(Domestication):

نیومارک ترجمه ارتباطی را نوعی بومی‌سازی می‌داند، و ترجمه آیتی کاملاً بومی‌سازی‌شده است.

مثال‌ها: «شکیبایی» به‌جای «صبر» ، «سپاسگزاری» به‌جای «شکر» و«کتاب‌های آسمانی» به‌جای «کتاب‌های آشکارکننده حجت».

این‌ها معادل‌هایی هستند که از نظر فرهنگی برای فارسی‌زبان امروزی معنادارتر و قابل‌قبول‌ترند.

ساختار و اقتصاد زبانی(Clarity & Economy):

نیومارک می‌گوید ترجمه ارتباطی باید واضح و بدون ابهام و دور از دشواری های متن مبدأ باشد.

ترجمه آیتی دقیقاً همین ویژگی‌ها را دارد: الف) جملات کامل و فارسی‌گونه‌اند؛ ب) حذف ابهام‌های نحوی و بلاغی متن عربی؛ پ) بخش‌بندی روشن جملات برای فهم بهتر.

ارزیابی نهایی ترجمه بر اساس معیارهای نیومارک:

ـ معیار ارزیابی ترجمه آیتی دقت معنایی: الف) نسبتاً خوب با عناصر تفسیری. ب) وفاداری به لحن متوسط (ملایم‌تر از متن اصلی). پ) روانی و خوانایی بسیار بالا. ت) معادل‌سازی فرهنگی موفق و بومی‌سازی‌شده. ث) اقتصاد زبانی مطلوب. ج) نوع ترجمه ارتباطی (Communicative)

با توجه به معیارهایی که مورد بررسی قرار داریم، ترجمه آیتی از خطبه ۸۱ نهج‌البلاغه را می‌توان در دسته ترجمه ارتباطی موفق قرار داد. این ترجمه دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

الف) پیام اصلی متن را با وضوح منتقل می‌کند. ب) معادل‌های طبیعی و رایج فارسی ارائه می‌دهد. پ) ساختار دستوری فارسی‌پسند و خوانا دارد. ت) بار اخلاقی و کاربردی سخنان امام را برای مخاطب امروز قابل‌فهم می‌سازد.

در عین حال برخی واژگان عربی مانند: «ورع» و «کُتُبٍ بارِزَة» با معادل‌های تفسیری ترجمه شده‌اند،لحن خطابی و شدت هشدار متن اصلی به نرمی بدل شده است.این ویژگی‌ها دقیقاً همان چیزی است که نیومارک ترجمه ارتباطی می‌نامد؛ ترجمه‌ای که «اثر» را منتقل می‌کند، نه «لفظ» را.

ترجمه پیشنهادی:

ای مردم! زهد در این جهان عبارت است از کوتاه کردن آرزوها، شکرگزاری هنگام نعمت‌ها و پرهیز از حرام‌ها. اگر به این مقامات نرسیدید، دست‌کم نگذارید حرام بر صبر و پایداری شما چیره شود و شکر نعمت‌ها را از یاد ببرید.خداوند با آوردن دلایل آشکار، نشانه‌های روشن و کتاب‌هایی که حجت را کامل کرده‌اند، هیچ بهانه‌ای برای شما باقی نگذاشته است.

ویژگی‌های این ترجمه طبق نظریه نیومارک به شرح زیر می‌باشد:

وفاداری معنایی بالا، برای مثال: «کوتاه کردن آرزوها» = ترجمه مستقیم «قصر الأمل»، «پرهیز از حرام‌ها»= ترجمه دقیق «التورع عند المحارم»، «کتاب‌هایی که حجت را کامل کرده‌اند»= ترجمه مستقیم «کُتُبٍ بارِزَةِ العُذر»

حفظ لحن خطابی و هشدار دهنده، برای مثال: عبارت «ای مردم!» و جمله امری «دست‌کم نگذارید...» نزدیک به لحن عربی است.

حداقل بومی‌سازی و تفسیری: از کلمات تفسیری مانند «دامنه آرزوها» یا «پارسایی» پرهیز شده است. تمرکز بر انتقال معنای دقیق متن به جای روان‌سازی یا تغییر بار اخلاقی.

خوانایی و وضوح: جملات فارسی روان و قابل فهم‌اند، اما همچنان حالت رسمی و متین خود را حفظ کرده‌اند.

۳_۳. خطبه ۸۲

ومن كلام له (عليه السلام) فی ذم صفة الدنيا:

«مَا أَصِفُ مِنْ دَار أَوَّلُهَا عَنَاءٌ، وَآخِرُهَا فَنَاءٌ! فِی حَلاَلِهَا حِسَابٌ، وَفِی حَرَامِهَا عِقَابٌ. مَنِ اسْتَغْنَی فِیهَا فُتِنَ، وَمَنِ افْتَقَرَ فِیهَا حَزِنَ، وَمَنْ سَاعَاهَا فَاتَتْهُ، وَمَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَاتَتْهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَّرَتْهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَیْهَا أَعْمَتْهُ.»

ترجمه آیتی:

(سخنی از آن حضرت (ع) در نکوهش دنیا:

چه بگویم در باره سرایی، که آغازش رنج است و پایانش زوال و فنا حلالش را حساب است و حرامش را عقاب. هر که در آن بی نیاز شود در فتنه و بلا افتد و هر که نیازمند بود غمگین شود. هر که برای به چنگ آوردنش تلاش کند، بدان دست نیابد و آنکه از تلاش باز ایستد، دنیا خود به او روی نهد. هر که به چشم عبرت در آن نگرد، دیده بصیرتش روشن گردد و هر که به دیده تمنا در آن بیند، دیدگانش را کور گرداند.) (نهج البلاغه خطبه ها، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

– نوع ترجمه: ترجمه آیتی در این خطبه نیز به‌وضوح در چارچوب ترجمه معنایی (Semantic Translation) قرار دارد. او وفاداری لفظی به متن عربی را حفظ کرده است، حتی اگر ساختار فارسی کمی سنگین باشد.

– وفاداری به متن: مثلاً «حلالش را حساب است و حرامش را عقاب» ترجمه‌ای کاملاً لفظی است.

– روانی زبان مقصد: برخی جملات برای فارسی امروز سنگین‌اند، مثل «هر که برای به چنگ آوردنش تلاش کند، بدان دست نیابد» که می‌توان روان‌تر گفت.

– بار فرهنگی و بلاغی: آیتی بدون توضیح اضافی، همان تقابل «أبصر بها» و «أبصر إلیها» را منتقل کرده است؛ این وفاداری به متن مبدأ است، اما برای مخاطب امروز ممکن است نیاز به بازآفرینی ارتباطی داشته باشد.

– اثر ارتباطی: ترجمه معنایی پیام را منتقل می‌کند، اما برای مخاطب مدرن می‌توان با کمی روان‌سازی و بازآفرینی ارتباطی، اثرگذاری بیشتری داشت.

ترجمه پیشنهادی (ترکیب معنایی + ارتباطی):

سخنی از آن حضرت (ع) در نکوهش دنیا:

چه بگویم از سرایی که آغازش رنج است و پایانش نابودی؛ در حلالش حسابرسی است و در حرامش کیفر. هر که در آن بی‌نیاز گردد، گرفتار فتنه می‌شود؛ و هر که نیازمند باشد، اندوهگین می‌گردد. هر که در پی آن شتابد، از دستش می‌رود؛ و هر که از آن چشم پوشد، خود به سراغش می‌آید. هر که با دیده عبرت به آن بنگرد، بصیرت می‌یابد؛ و هر که با نگاه تمنّا بدان بنگرد، دیده‌اش کور می‌شود.

سید رضی می‌گوید: اگر کسی در سخن آن حضرت (ع) که فرمود «هر که با آن بنگرد، بینا می‌شود» تأمل کند، درمی‌یابد که در آن معنایی شگفت و مقصودی بلند نهفته است که به نهایت آن نتوان رسید و عمقش را نتوان دریافت. به‌ویژه اگر این جمله را در کنار سخن دیگرش «و هر که به آن بنگرد، کور

می‌شود» قرار دهد، تفاوت میان «نگاه با آن» و «نگاه به آن» را به روشنی درمی‌یابد و عظمت فصاحت و بلاغت این کلام را آشکار می‌بیند.

تفاوت‌های کلیدی با ترجمه آیتی:

– روانی بیشتر: «حلالش را حساب است و حرامش را عقاب»= «در حلالش حسابرسی است و در حرامش کیفر».

– هماهنگی سبکی: «هر که برای به چنگ آوردنش تلاش کند، بدان دست نیابد»= «هر که در پی آن شتابد، از دستش می‌رود».

– حفظ بار معنایی:همچنان وفادار به متن عربی است، اما با ساختار طبیعی‌تر فارسی.

– بلاغت و تقابل: تفاوت «أبصر بها» و «أبصر إليها» با توضیح سید رضی روشن‌تر و روان‌تر بیان شد.

۴_۳. خطبه ۸۳

و من خطبه له علیه السلام وَ تَسْمی الغراء وَ هِی الخُطْبَه العَجیبَه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلاَ بِحَوْلِهِ وَدَنَا بِطَوْلِهِ مَانِحِ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَفَضْلٍ وَكَاشِفِ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَأَزْلِ أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَسَوَابِغِ نِعَمِهِ وَأومِنُ بِهِ أَوَّلاً بَادِيا وَأَسْتَهْدِيهِ قَرِيبا هَادِيا وَأَسْتَعِينُهُ قَاهِرا قَادِرا وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيا نَاصِرا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداعَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ لِإِنْفَاذِ أَمْرِهِ وَ إِنْهَاءِ عُذْرِهِ وَ تَقْدِيمِ نُذُرِهِ.»

ترجمه آیتی:

خطبه‌ای از آن حضرت (ع) آن را خطبه غرّاء نامیده‌اند که از خطبه‌های شگفت‌انگیز آن حضرت(ع) است.

(حمد خدایی را که به قدرت خود برتر است و پیروز و به فضل و بخشایش خود بر همگان نزدیک. بخشنده هر فایدتی است و دفع کننده هر سختی و بلایی است. سپاس می‌گویم او را، به سبب بخشش‌های عطوفت آمیزش و نعمت‌های او که همگان را از آن نصیب است. ایمان می‌آورم به او، که مبدأ همه چیزها و آغاز کننده آفرینش است و از او هدایت می‌طلبم، که هم نزدیک است و هم راه نماینده. از او یاری می‌خواهم، که هم قاهر است و هم قادر و بر او توکل می‌کنم، که هم کفایت کننده است و هم یاری دهنده و شهادت می‌دهم، که محمد (ص) بنده و رسول اوست، او را فرستاده است تا فرمان‌هایش را روان دارد و حجت را بر همه تمام کند و مردمان را از عذاب او بترساند، پیش از آنکه روز رستاخیز فرا رسد. (نهج البلاغه خطبه‌ها، ترجمه عبدالمحمد آیتی)

در این بخش به تحلیل بخش های از پاراگراف اول خطبه ی ۸۳ می‌پردازیم:

«الَّذِي عَلاَ بِحَوْلِهِ وَ دَنَا بِطَوْلِهِ.»

ترجمه آیتی برای این قسمت بدین صورت است که: «سپاس می‌گویم او را، به سبب بخشش‌های عطوفت‌آمیزش و نعمت‌های او که همگان را از آن نصیب است.»

بر اساس تحلیل نیومارک در متن مبدأ دو تصویر بلاغی متقابل وجود دارد:«عَلاَ بِجَوْلِهِ» = تعالی با قدرت/ «دَنَا بِطَوْلِهِ» = تقرب با لطف، که آیتی هر دو تصویر را حذف کرده و به مفاهیم کلی «بخشش» و «نعمت» تبدیل کرده است.این تغییر نمونه آشکار ترجمه ارتباطیِ تقلیل‌یافته است؛ زیرا ساختار تصویری متن قربانی روانی و سادگی شده است. در ترجمه معنایی باید تقابل «برتری / نزدیکی» حفظ می‌شد.

«مَانِحِ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَفَضْلٍ وَكَاشِفِ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَأَزَلٍ.»

ترجمه آیتی: «به سبب بخشش‌های عطوفت‌آمیزش و نعمت‌های او که همگان را از آن نصیب است.» که بر اساس نظریه نیومارک دو ساختار اسمی فشرده عربی به یک جمله‌توصیفی طولانی تبدیل شده است.

ایجاز و موسیقی نحوی متن مبدأ از بین رفته و جای خود را به بازنویسی تفسیری داده است.این دقیقاً منطبق با تعریف نیومارک از (Communicative Translation with Expansion) است.

«وَأُومِنُ بِهِ أَوَّلًا بَادِياً»

ترجمه آیتی: (ایمان می‌آورم به او، که مبدأ همه چیزها و آغاز کننده آفرینش است.)

بر اساس نظریه نیومارک «أَوَّلًا بَادِياً» یعنی: نخستین و آشکار.

مترجم این ترکیب بلاغی را به گزاره‌کلامی «مبدأ همه چیزها» تبدیل کرده است. این نمونه روشن ترجمه تفسیری ارتباطی است که به جای حفظ صورت، مفهوم الهیاتی را بسط داده است.

«وَأَسْتَهْدِيهِ قَرِيباً هَادِياً»

ترجمه آیتی: (از او هدایت می‌طلبم، که هم نزدیک است و هم راه‌نماینده.)

اینجا ساختار تقابلی و فشرده‌عربی تا حد زیادی حفظ شده است و این مورد به ترجمه معنایی تعدیل‌شده نزدیک است و یکی از موفق‌ترین بخش‌های ترجمه آیتی محسوب می‌شود.

«أَرْسَلَهُ لِإِنْفَاذِ أَمْرِهِ وَإِنْهَاءِ عُذْرِهِ وَتَقْدِيمِ نُذُرِهِ»

ترجمه آیتی: (او را فرستاده است تا فرمان‌هایش را روان دارد و حجت را بر همه تمام کند و مردمان را از عذاب او بترساند.)

بر اساس نظریه نیومارک نیز «تقدیم نذره» در متن یعنی «پیش‌فرستادن بیم‌دهنده‌ها»، ولی آیتی آن را به «ترساندن از عذاب» تفسیر کرده است. این دگرگونی، نمونهٔ بارز تبدیل ساختار خطابی به بیان تعلیمی ارتباطی است.

و در پایان نتیجه تحلیلی نهایی به زبان نیومارک چنین است که در ترجمه آیتی در این بخش:

از نظر محتوایی وفادار است؛ اما از نظر بلاغی و ساختاری فاصله‌جدی با متن مبدأ دارد؛ بنابراین در چارچوب نیومارک یک ترجمه ارتباطی ـ تفسیری با حداقل پایبندی صوری محسوب می‌شود، نه ترجمه‌معنایی.

ترجمه پیشنهادی:

ستایش خداوندی سزاست که با اراده‌اش برتر است و با بخشش‌اش نزدیک، بخشاینده هر غنیمت و فضیلتی، و برطرف کننده هر مصیبت و سختی‌ای. او را بر لطف‌های بی‌پایان و نعمت‌های سرشارش می‌ستایم. به او ایمان می‌آورم در حالیکه اول و آشکار است، و از او راهیابی می‌طلبم درحالی‌که نزدیک و راهنماست، و از او یاری می‌خواهم درحالیکه چیره و تواناست، و بر او توکل می‌کنم درحالیکه بسنده و یاور است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر ترجمه عبدالمحمد آیتی از خطبه‌های ۸۰ تا ۸۳ نهج‌البلاغه و با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک نشان داد که ترجمه آیتی بیش از هر چیز به اصول ترجمه معنایی پایبند است؛ به‌گونه‌ای که در بازتاب استعارات، کنایات و ترکیبات ادبی، وفاداری به متن مبدأ را بر هرگونه تغییر یا ساده‌سازی ترجیح داده است. در عین حال، مترجم با بهره‌گیری از راهکارهایی چون معادل فرهنگی، بومی‌سازی و بازسازی تصویر استعاری توانسته است تا حد زیادی روانی و فصاحت زبان فارسی را حفظ کند و مخاطب را در درک پیام اصلی خطبه‌ها یاری دهد. مقایسه با دیگر ترجمه‌های معتبر نشان داد که ترجمه آیتی در قیاس با رویکردهای ارتباطی، گرچه کمتر به بازآفرینی اثرگذاری متن برای مخاطب امروز پرداخته، اما انسجام زبانی و دقت معنایی بیشتری دارد. بنابراین می‌توان گفت که ترجمه آیتی نمونه‌ای موفق در بازتاب روح و پیام نهج‌البلاغه است و الگویی ارزشمند برای ترجمه متون دینی در زبان فارسی به شمار می‌آید. این پژوهش همچنین اهمیت بهره‌گیری از نظریه‌های ترجمه در نقد و ارزیابی ترجمه‌های متون مقدس را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که تلفیق دیدگاه‌های نظری با تحلیل زبانی می‌تواند به ارتقای کیفیت ترجمه و فهم بهتر میراث اسلامی کمک کند.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۸). ترجمه نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- حسینی، سید محمدضیاء (۱۳۹۹). ارزشیابی ترجمه معنایی و ارتباطی»؛ فصلنامه مترجم علمی_فرهنگی، ۱۹.

- صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸). ترجمه قرآن کریم، قم، نشر معارف.
- زرمحمدی، سعید و زرمحمدی، آیت‌الله (۱۴۰۴). «ارزیابی ترجمه شتر و هاله‌های معنایی آن در نهج‌البلاغه با تکیه بر الگوی نیومارک»: مطالعه موردی (دشتی، شهیدی و فولادوند Journal of). the college of languages، ۵۲، ۲۵۱-۲۶۸.
- نیازی، شهریار و زرمحمدی، سعید (۱۴۰۲). «ارزیابی ترجمه ضرب المثل در نهج‌البلاغه براساس نظریه پیتر نیومارک»: مطالعه موردی (دشتی، شهیدی و فولادوند Journal of the college of). languages، ۴۷.
- Newmark, P., (۱۹۸۱). Approaches to translation. Pergamon Press.
- Newmark, P., (۱۹۸۸). A textbook of translation. Prentice_Hall International..

التنظيرات والنقد في الأدب العربي
السنة الرابعة، العدد ١٦، الشتاء
١٤٠٣هـ. ٢٠٢٥م، صص ٨٤-٦٧

مقاله بحثيه

DOI: 10.22034/jral.2026.596524.1135

نقدُ ودراسةُ الترجمةِ الفارسيةِ لعبد المحمد آيتي للخُطَبِ من الخطبةِ ٨٠ إلى الخطبةِ ٨٣ من نهجِ البلاغة في ضوءِ نظريةِ نيومارك

جمال ساعدى وفا *[١]، مريم سياحى [٢]، آمنه طرفى زاده[٣]، نرگس جلداوى [٤]

(تاريخ الوصول:١٤٠٥/٠٥/١٩، تاريخ القبول: ١٤٠٥/٠٥/٣١)

المخلص

يُعَدُّ نهجُ البلاغة من أبرز النصوص الدينية والأخلاقية والأدبية في التراث الإسلامي، وقد حظي على مرّ الزمن باهتمام الباحثين والمترجمين الناطقين بالفارسية. وقد جعلت التعقيدات اللغوية والبلاغية لهذا الأثر من ترجمته عمليةً تتجاوز مجرد نقل الألفاظ، لتتحول إلى مجالٍ تفسيري وثقافي. ومن بين الترجمات العديدة الموجودة، تحظى ترجمة عبد المحمد آيتي بمكانة متميزة؛ إذ استطاع أن يقيم توازناً دقيقاً بين الوفاء للنص العربي وسلاسة اللغة الفارسية .وقد أُجريت هذه الدراسة، الموسومة بـ «نقد ودراسة الترجمة الفارسية لعبد المحمد آيتي للخطب من ٨٠ إلى ٨٣ من نهج البلاغة في ضوء نظرية نيومارك»، وفق المنهج الوصفي التحليلي. واتُّخذ الإطار النظري لنيومارك، الذي يقسّم الترجمة إلى نوعين هما «الترجمة الدلالية» و«الترجمة التواصلية»، أساساً للتقييم. وفي هذه الدراسة، جرى تحليل الخطب المختارة تحليلاً دقيقاً، كما تمّت دراسة مدى توافق ترجمة آيتي مع مبادئ نيومارك .وتشير النتائج إلى أن آيتي، في ترجمته للاستعارات والكنايات والتراكيب الأدبية، كان أكثر التزاماً بمبادئ الترجمة الدلالية، كما استخدم في نقل المفاهيم الثقافية استراتيجياتٍ من قبيل التكافؤ الثقافي والتوطين. وفي الوقت نفسه، حافظ في ترجمته على سلاسة النص الفارسي وفصاحته، مما أتاح للقارئ إمكانية التواصل مع الرسالة الأساسية للخطب. وتُظهر مقارنة ترجمة آيتي بغيرها من الترجمات المعتبرة أنه نجح في نقل روح نهج البلاغة ورسالته .وتخلص الدراسة إلى أن ترجمة آيتي، على الرغم من بعض القيود، تُعَدّ نموذجاً قيّماً في ترجمة النصوص الدينية، ويمكن أن تشكّل نموذجاً مفيداً للمترجمين الناطقين بالفارسية عند التعامل مع النصوص الإسلامية الكلاسيكية.

الكلمات المفتاحية: نهج البلاغة؛ ترجمة عبد المحمد آيتي؛ نظرية نيومارك؛ الترجمة الدلالية والتواصلية.

---

١ . دكتوراه فى اللغه العربيه و آدابها، استاذ مدعو جامعه فرهنجيان، فاطمه الزهرا (س)، خوزستان، اهواز. (الكاتب المسئول)
ايميل: Jamal.saedi67@gmail.com

٢ . طالبة بكالوريوس فى قسم الإلهيات، جامعه فرهنجيان ، فاطمه الزهرا (عليها السلام)، خوزستان، الأهواز، ايران

٣ . طالبة بكالوريوس فى قسم الإلهيات، جامعه فرهنجيان ، فاطمه الزهرا (عليها السلام)، خوزستان، الأهواز، ايران

۴. ماجيستر فى فرع الإلهيات، جامعة فرهنجيان، خوزستان، الأهواز. ايران.

حقوق المؤلف: نويسنده **الناشر:** جامعة الكوثر